

بازیگران تاریخ

### شیخ محمد خیابانی و مظلومیت فراموش شده



قیام شیخ محمد خیابانی، مبارز مشروطه خواه ایرانی، اگر چه حدود پنج ماه بیشتر به طول نینجامید، اما تاثیر آن بر روزگار پرا التهاب ایران پس از مشروطه، آن چنان عمیق و الهام بخش بود که بر هیچ کس پوشیده نمانده است. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، احمد کسروی در کتاب «تاریخ مشروطیت ایران» می‌نویسد: «آن چه ما می‌توانیم گفت این است که خیابانی همچون بسیار دیگران، آرزومند نیکی ایران می‌بود و یگانه راه آن را به دست آوردن سر رشته‌های حکومت می‌شناخت که ادارات را به هم زدن و نواز دادن قانون‌ها را دیگر گرداند. چنان که در همان هنگام میرزا کوچک خان در جنگل به همین آرزو می‌کوشید. آنان نیکی ایران را جز از این راه نمی‌دانستند.» شیخ محمد خیابانی در طول مبارزه خود، سخنرانی‌هایی را در جمع طرفدارانش ایراد کرد که بیانگر آرمان‌ها و مقاصد قیام وی بود. وی پوسته تاکید می‌کرد: «منظور آذربایجان، استقلال‌س ایران از هر گونه اسارت می‌باشد و آذربایجان، جزء لاینفک ایران است.» قیام خیابانی با قیام آذربایجان، قیامی در مسیر تحقق و تکامل آرمان‌های مشروطه و برآمده از سنت‌های مبارزاتی ایران و آذربایجان بود. علی اصغر شمیم در کتاب «ایران در دوره سلطنت قاجار»، درباره چگونگی سرکوب قیام شیخ محمد خیابانی می‌نویسد: حاجی مخبر السلطنه که از طرف کابینه مشیرالدوله با اختیارات تام برای فرونشاندن قیام به آذربایجان اعزام شده بود، در اواسط ذی‌الحجه ۱۳۳۸ به تبریز رسید و نیروهای لازم برای سرکوب کردن قیام و بازگرفتن عالی‌قاو از یاران خیابانی از هر جهت تدارک شده بود. روز ۲۹ ذی‌الحجه نیروهای قزاق به شهر ریختند و ضمن بیرون راندن پیروان خیابانی از عالی‌قاو به خانه‌های سران قیام هجوم بردند و دست به کشتار و غارت زدند و خود خیابانی نیز در حال دفاع در زیرزمین خانه یکی از دوستان خود، به ضرب گلوله قزاقان کشته شد.» در آذر این جاست که برخی از اطرافیان چاپلوس شیخ محمد خیابانی که پای سخنرانی‌هایش کف می‌زدند، دورپیکر بی‌جان وی را گرفتند و به شادی پرداختند.

**جواد نوائیان رودسری** - تقریباً ۸۶ سال از آن روزهای مخوف گذشته است؛ سال ۱۳۱۳، زمانی که سرپاس رکن‌الدین مختاری به سمت ریاست نظمیه رضاشاه منصوب شد، همه گمان می‌کردند که خاطرات وحشتناک دوران آیرم، رئیس پیشین نظمیه، به تاریخ خواهد پیوست؛ اما دیری نگذشت که همگان فهمیدند، در پس چهره مصمم و شخصیت به ظاهر هنرمند مختاری، دیوی مخوف‌تر از آیرم پنهان شده است. مدتی بعد، زمزمه‌هایی از گوشه و کنار به گوش می‌رسید؛ افرادی که برخی از آن‌ها وابستگان به دربار و تعدادی دیگر، مخالفان سرشناس و سرسخت پهلوی اول بودند، یک به یک و به طریزی مشکوک، دارفانی را وداع می‌گفتند. گزارش‌هایی غیرمستند در میان مردم منتشر می‌شد که نشان می‌داد، سرخ همه این جنایت‌های مخوف، اعم از خفه کردن و تریاک خوراندن و آمبول هوا تزریق کردن، به سرپاس مختاری می‌رسد؛ و بولن نواز چیره دستی که روزی، روزگاری، خواهر از چشمان روح... خالقی می‌رود؛ هنگامی که او هنوز در اصفهان زندگی می‌کرد و کودک بی‌بش نبود و شب‌ها، با حرکت آرشه روی سیم‌های ظرف و بولن همسایه‌شان، یعنی رکن‌الدین مختاری، خوش می‌گذرانند! مختاری موسیقی‌رادر کلاس درویش خان و آدمکشی را در کلاس رضاخان فراگرفت؛ جمع شدن این دو ویژگی کاملاً متضاد، در یک انسان، شگفت‌انگیزترین وجه شخصیت رئیس نظمیه رضاخان بود. او در دوران مسئولیتش که تا شهریور ۱۳۲۰ طول کشید، نه تنها دم به تله نداد و در دام بدبینی رضاشاه گرفتار نشد، بلکه خیلی از موافقان و مخالفان شاه را هم از هستی ساقط کرد و به طرز فجیعی به قتل رساند. ردپای بولن نواز قاتل را که تا سال ۱۳۵۰ زنده ماند، می‌شود در بیشتر پرورنده‌های امروز قتل، بین سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ دید. او در پرورنده‌سازی برای آدم‌ها، وردست نداشت؛ اما شاید بسیاری ندانند که رکن‌الدین مختاری، فراتر از یک نوازنده بود؛ یک آهنگساز که معروف است بسیاری از قطعات خود را در کنار اتاق شکنجه زندانیان بخت برگشته می‌ساخت؛ موضوعی که شاید نتوان برای آن مثل و مانند‌ای در دنیای هنر پیدا کرد. مختاری را ابداع کننده پیش در آمد در موسیقی ایرانی می‌دانند.

## ناگفته‌هایی از زندگی و اقدامات سرپاس مختار، رئیس پلیس رضاشاه

# کشتار موزیکال در نظمیه!

### کیفرخواست قاتل موسیقی دان!

مختاری پس از شهریور ۱۳۲۰ و با حمایت دربار، تنها به هشت سال زندان ناقابل محکوم شد؛ زندانی که با عفو محمدرضا پهلوی، به سال پنجم هم نرسید. در بخشی از کیفرخواست دادستان علیه وی آمده بود: «آقای مختار شمار مدت شش سال، عملاً قسمت مهمی از اقتدارات دولت رادر دست داشتید و در اغلب امور مربوط به مقررات ملت و کشور اعمال نظری می‌کردید. شمار ظرف این مدت بودجه شهربانی را چند برابر کردید و قسمتی از این بودجه سنگین را صرف تشکیلات جاسوسی نمودید و با این کار و حشدری در کشور ایجاد کردید که در هیچ جاسابقه نداشت. دو نفر دوست نزدیک جرئت نداشتند بایکدیگر آهسته حرف بزنند. کار جاسوسی به اندازهای بالا گرفته بود که حتی زن جاسوس شوهر، شوهر جاسوس زن و پسر جاسوس پدر شده بود و با این دستگاه مهیب و با دستبازی افراد پستی که آلت دست شما بودند و در مکتب شما پرورش یافته بودند، عده زیادی از مردان بی‌گناه تحویل اداره سیاسی می‌شدند، اداره سیاسی؛ یعنی همان کانون فجایی که به موسسه تفتیش عقاید قرون وسطی شبیه بود، همان دالان تاریکی که روشنایی عدالت وجود آن را نه نداشت و هر کس سرور کار با آن جاپدایمی نمود، دیگر از جان خود ایمن نبود. تمام این جنایات را مرتکب می‌شدید تا مردم حقایق را نگویند و از عملیات شما انتقاد نکنند؛ از مامورین شدا و سخت گیر شما شکایت ننمایند، آب از آب تکان نخورد تا مختار جان و مال مردم باشد و نزد اعلی حضرت سابق، خادم هوشیار و مطیع و لایق معرفی شده، برمسند ریاست شهربانی تا آخر عمر برقرار بوده و همیشه حضرت اجل بمانید... آقای مختار شمار رئیس شهربانی بودید، مأموریت کشف جرایم را داشتید، چگونه خود شما مأمورینی را برای ارتکاب جرایم انتخاب کردید؟ چگونه شما به مأمورینی که اصولاً برای حفظ نظم و انتظام انتخاب شده‌اند، لباس میر غضب می‌پوشانید و به آن‌ها در س آدمکشی می‌دادید، پلیس و آدمکشی در کجای دنیا سابقه دارد؟»

در ادامه، تعدادی از قربانیان رکن‌الدین مختاری را معرفی می‌کنیم، قربانیانی که تعداد آن‌ها در سیه‌ها جنایات مختاری، اصلاً چیزی محسوب نمی‌شود؛ اما قبل از آن این تذکر لازم و ضروری به نظر می‌رسد که هر چند در طبع رئیس نظمیه

### نصرت الدوله فیروز

نصرت الدوله پسر عبدالحسین خان فرمانفرما، از جال معروف دوره قاجار و پهلوی بود. وی یکی از افرادی محسوب می‌شد که در برکشیدن و حمایت از رضاخان، نقشی محوری ایفا کرد و بعدها در دم دستگاه او، به مقام وزارت رسید. اما این روابط حسنه با شاه، خیلی زود تیره شد. مشهور است که مختاری، زمینه به زندان افتادن و تبعید شدن نصرت الدوله را با اشاره رضاشاه فراهم کرد. مدتی بعد، در دی ماه سال ۱۳۱۶، مختاری سه تن از مأموران را به نام‌های عقیلی پور، فرشچی و بختیاری، به سراغ نصرت الدوله در سمنان فرستاد. فرشچی که در خفه کردن افراد متخصص بود، با کمک دو مأمور دیگر، به زندگی نصرت الدوله خاتمه داد.

### سردار اسعد بختیاری

سردار اسعد منتسب به یکی از خانواده‌های فعال دوره مشروطه بود. جعفرقلی خان که یکی از فعالان و دست اندرکاران برکشیدن رضاخان به سلطنت محسوب می‌شد، پس از آغاز دوره پهلوی، به استانداری و وزارت منصوب شد و حتی مدتی وزیر جنگ بود. اما وقتی همراه رضاشاه به بابل می‌رفت، در سال ۱۳۱۲، به جرم خیانت بازداشت شد. این دوره مصادف با زمانی بود که آیرم، رئیس وقت نظمیه، به خارج گریخته بود و رضاشاه، مختاری را جایگزین وی کرد. با دستور پهلوی اول،

رضاشاه، می‌توان رگه‌های آشکاری از رفتارهای مایخوولیایی و جنون بی‌جان کردن انسان‌ها را یافت، اما بی‌تردید، او هیچ کدام از این جنایت‌ها را بدون اشاره و دستور پهلوی اول انجام نمی‌داد.

### آیتا... سید حسن مدرس

تردیدی نیست که شهید مدرس، یکی از مخالفان مصمم رضاخان بود. او در جریان تصویب ماده واحده انقراض قاجاریه، به پهلوی تاخت و بعدها، از هیچ کوششی برای رسوا کردن وی خودداری نکرد. با دستور رضاشاه، آیرم عوامل وی به خانه شهید مدرس ریختند و او را با بی‌احترامی تمام، به تبعیدگاه خوف فرستادند. مدتی بعد، محل تبعید او از خوف به کاشمر تغییر و با اشاره پهلوی، رکن‌الدین مختار در پاییز ۱۳۱۶، دستوری کتبی مبنی بر شهید کردن آن روحانی و مجتهد مبارز، صادر کرد. یاور جهانسوزی و دوتن دیگر، مجری دستور مختاری بودند. آن‌ها آیتا... مدرس را هنگام افطار به شهادت رساندند.



## گزارشی تکان دهنده از سال‌های آغازین کشف قاره آمریکا

## مادران ناامید، نوزادان خود را خفه می‌کردند!

یکی طوطی داشت؛ [اروپایی‌ها] طوطی‌ها را گرفتند و سر دو نوجوان سرخپوست را بریدند، به همین سادگی، از روی تفنن! کوشش‌های دفاعی سرخپوستان راه به جایی نبرد. اگر به کوه فرار می‌کردند، مورد تعقیب قرار می‌گرفتند و به قتل می‌رسیدند. لاس کارازاس می‌نویسد: در نتیجه، آن‌ها با سکوتی مایوسانه، در معدن‌ها و در نقاط دیگر کاری کردند، زجر می‌کشیدند و

می‌مردند، زیرا کسی را انداختند که بتواند به آن‌ها کمک کند... اگر نوزادی به دنیا می‌آمد، به زودی جان می‌سپرد، زیرا مادرانشان آن قدر کار کرده و دچار سوتغذیه بودند که شیر برای سیر کردن نوزاد خود نداشتند. هنگامی که [در سال ۱۵۰۳ میلادی] در کوبا بودم، طی سه ماه، هفت هزار نوزاد به همین دلیل جان سپردند. برخی از مادران از فرط نومیدی و درماندگی، نوزادان خود را در آب خفه

اسپانیایی‌ها وقتی که سرخپوستان را دوچین با چاقو مصدوم می‌کردند یا بدن آن‌ها را می‌بریدند تا تندی تیغه خنجرهای خود را آزمایش کنند، هیچ فکری در سر نداشتند! لاس کارازاس تعریف می‌کند که چگونه روزی دو نفر از این اروپایی‌ها، به دو نوجوان سرخپوست برخورد کردند که هر یک،

چند خط تاریخ

قاب تاریخ



## ۱۲۸ سال پیش، قدیمی ترین قطار تاریخ ایران

تصویری با کیفیت و کمتر دیده شده از نخستین قطار حمل مسافر در ایران، معروف به ماشین دودی، در حالی که از دروازه جنوبی تهران خارج می‌شود به سمت شهرری می‌رود. این تصویر احتمالاً حوالی سال ۱۲۷۰ هـ. ش (حدود ۱۲۸ سال پیش) برداشته شده است. ماشین دودی که ایستگاه آن در «چاله میدان» جنوب پایتخت قرار داشت، پس از طی کردن هشت هزار و ۷۰۰ متر، به نزدیکی حرم حضرت عبدالعظیم (ع) در شهرری می‌رسید؛ بیابانی که در تصویر مشاهده می‌کنید، امروزه از کثرت ساختمان و جمعیت در حال انفجار است و هر متر از اراضی آن، با مبلغ هنگفتی معامله می‌شود! اما در تصویر، تنها صحرایی به چشم می‌آید، لم‌یزرع و برهوت که کسی را هوای سکونت در آن نیست! ماشین دودی، حدود ۱۳۲ سال پیش، سال ۱۳۰۵ هـ. ق (۱۲۶۶ هـ. ش)، در دوران سلطنت ناصرالدین شاه افتتاح شد. مجری طرح آن، شرکت بلژیکی «راه آهن و تراموای ایران» بود. این خط ریلی تا اواسط دهه ۱۳۴۰ فعالیت می‌کرد، اما در پی توسعه شهر تهران و افزایش وسایل نقلیه و نیز، حوادث پی‌درپی ناشی از فرسودگی خط آهن، برای همیشه تعطیل شد.

### جناب آقای دکتر غلامرضا ملک زاده

عضو محترم هیئت علمی گروه مدیریت ارتقاء شایسته جنابعالی را به مقام شاخه **دانشاری** تبریک عرض نموده، و توفیق روزافزون برای شما را خواستاریم.

گروه مدیریت دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

۰۵۱-۲۸۳۲۸۲۸

### جناب آقای دکتر فرج زاده

مدیرعامل محترم شرکت سجاد دارو شرق انتخاب آن شرکت محترم را به عنوان **واحد نمونه صنعتی در سال ۹۸**

تبریک و تهنیت عرض نموده و موفقیت جنابعالی در پیشبرد اهداف عالی آن شرکت محترم را آرزو مندم.

مهندس خزعل

مدیرعامل شرکت میخک

۰۵۱-۲۸۳۲۸۲۸

### جناب آقای دکتر علیرضا پویا

عضو محترم هیئت علمی گروه مدیریت ارتقاء جنابعالی را به مقام شاخه **اسنادی** تبریک عرض نموده، و توفیق روزافزون برای شما را خواستاریم.

گروه مدیریت دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

۰۵۱-۲۸۳۲۸۲۸

### پذیرش غیر حضوری آگهی های

تبریک، تقدیر و تشکر

پذیرش تلفنی :

۳۷۰۰ ۹۹۹۹

پذیرش تلگرافی :

۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰

۰۵۱-۲۸۳۲۸۲۸

# آگهی فراخوان خدمات مشاوره



وزارت راه و شهرسازی

اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر

ردیف	شماره مشاور	موضوع خدمات مشاور	برآورد تقریبی «ریال»	دستگاه نظارت	حداقل شرایط مجاز برای دریافت اسناد	شماره ثبت فراخوان در سامانه
۱	۹۸-۳	تهیه طرح بازنگری در طرح جامع شهر بوشهر	۷,۸۷۹,۰۲۵,۸۹۵	معاونت شهرسازی و معماری	دارا بودن صلاحیت پایه یک رتبه شهرسازی	۲۰-۰۰۰۳۳۸۹۰۰۰۹۸

**کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مشاوران دارای صلاحیت، ارسال درخواست پیشنهاد (RFP)، ارائه پیشنهاد مشاوران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مشاوران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی راجعت شرکت در فراخوان محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه تاریخ ۹۸/۰۴/۲۶ می‌باشد.**

**\*روش انتخاب مشاور: بر اساس روش کیفیت (QBS) می‌باشد. \*مهلت زمانی دریافت اسناد فراخوان: ساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه تاریخ ۹۸/۰۴/۲۶**

**\*مهلت زمانی ارسال پاسخ فراخوان: ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه تاریخ ۹۸/۰۵/۰۵**

**\*ضمناً مشاوران جهت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد به اداره پیمان و رسیدگی به آدرس بوشهر ابتدای بلوار سپهبد قرنی اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر ساختمان شماره ۲ مراجعه نمایند.**

**\*برای کسب اطلاعات بیشتر به تارنمای <http://iets.mporg.ir> مراجعه نمایید. در ضمن هزینه کارمزد سامانه ستاد و درج آگهی برعهده برنده فراخوان خواهد بود.**

**\*اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۴۱۹۳۴-۰۲۱ می‌باشد.**

**اداره ارتباطات و اطلاع رسانی راه و شهرسازی استان بوشهر**

شناسه آگهی: ۵۲۵۱۴۵

۵۳۰

گزارش تاریخی

## چرا ارتش، شاه را هاکرد؟

ارتش تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، از قدرت چندانی برخوردار نبود و با وجود تلاش‌هایی که رضاشاه با صرف بودجه‌های کلان برای ایجاد ارتش به سبکی مدرن به کار بست، شیراز آن در اولین برخورد با مهاجمان خارجی، یعنی متفقین، از هم پاشید و نشان داد که این نهاد نظامی، تنها در ظاهر، مفت قدرتمند را به یدک می‌کشد. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، با این حال، تحت تأثیر اتفاقاتی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد روی داد، ضرورت تحکیم مبانی ارتش در راستای حفاظت از شاه و رژیم او، مطرح شد. بر همین اساس، آمریکا با کمک متحدانش، به تجهیز ارتش شاه پرداخت و بودجه کلانی به آن اختصاص داده شد. این ارتش هم برای شاه امنیت داخلی را تأمین می‌کرد و هم در مواقع لزوم، با اشاره آمریکایی‌ها، در نقش ژاندارم، وارد معرکه خاور میانه می‌شد. شاه گمان می‌کرد با تصفیه سیاسی ارتش در دهه ۱۳۳۰، نیروی نظامی وفادار به خود را ایجاد کرده است؛ غافل از این که با وجود وابستگی سران ارتش به رژیم و وفاداری ظاهری آن‌ها، بدنه ارتش متشکل از نیروهای بر خاسته از مردم بود؛ نیروهایی که برخی از آن‌ها اعتقادات مذهبی و تعلقات میهنی عمیقی داشتند و همین موضوع باعث می‌شد که به برخی اقدامات رژیم شاه، معترض باشند؛ اقداماتی که در بسیاری از مواقع، نفرت آن‌ها را بر می‌انگیخت و زمینه‌انزجار از رژیم را فراهم می‌کرد. از سوی دیگر، حضور مستشاران نظامی آمریکایی در ایران و بالاتر بودن جایگاه آن‌ها نسبت به هم‌درجه‌های ایرانی‌شان، ضربه‌ای مهلک به حیثیت افسران و سربازان ایرانی وارد می‌کرد. بر همین اساس، اقداماتی که در بسیاری از موارد، در یکی از گزارش‌های مجلس سنا در این دوره، آمده است: «تعداد آمریکایی‌ها در ایران می‌بایست به واسطه خریدهای کلان اسلحه از آمریکا، تا سال ۱۹۸۰ به ۶۰ هزار نفر بالغ گردد که این به معنای رشدی معادل ۱۰ هزار نفر در سال است. هزینه پرسنل نظامی ارتش ایران در سال ۱۳۵۶ بالغ بر ۱۴۰ میلیارد ریال (نزدیک به ۲ میلیارد دلار) بود، در حالی که هزینه مستشاران آمریکایی مقیم ایران در همان سال بالغ بر ۱۷۰ میلیارد ریال برآورد شده است. طبق قرارداد‌های نظامی میان دو کشور، تمام مخارج به عهده ایران است.» چنین رویکردی باعث شد که بدنه ارتش که اکثریت قریب به اتفاق نیروهای آن را تشکیل می‌داد، با خواست ملت همراه شود و به مردم بپیوندد.